

متن پرسش

با سلام: حضرت استاد فرمودید که آن چه که بنده گفتم که دارای اجزاء هست از میز و صندلی و... همه ماهیات هستن و وجود بسیط هست حتی وجودات خاصه. سوال: ۱. آیا در لسان فلاسفه وجود صرفاً به اون حیثیت منشاییت اثر در هر موجودی گفته میشه که حقیقتش به ذهن هم نیامد؟ ۲. آیا اون حیثیت منشاییت اثر همون اسماء الله هست که وجود هر موجودی هست؟ ۳. بنده مباحث حرکت جوهری رو تا جلسه ۱۲ پی گرفتم اما بهر حال آقایون دیگر بعضاً مثلاً آقای فیاضی حرکت جوهری رو صرفاً اشتدادی نمیدونن... و برای خودمم باز جای سواله که اگر حرکت جوهری اشتدادی هست یعنی دم به دم کمال گیری هست چرا ما در حرکات عرضی حرکت های رو به زوال می بینیم مثل پیری بدن یا خشک شدن برگ درختان یا ... مگر نمیگید که در خارج یه موجود داریم و این ذهنه که جوهر و عرض رو از هم تفکیک میکنه پس این زوال ها چیه؟ مگر این امکان هست که اعراض رو به زوال برن و جوهر رو به کمال؟ در حالی که فرمودین دو چیز هم نیستن و در خارج یک موجوده که میشه ازش جوهر و عرض رو انتزاع کرد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- عقل می‌تواند متوجهی «وجود» شود ولی ذهن، عموماً با مظاهر وجود تحت عنوان ماهیت روبه‌روست که در برهان صدیقین بدان پرداخته شده است ۲- آری ۳- حرکت جوهری، حرکت ذات عالم ماده است از قوه به فعل، و همین‌که اعراض حرکت دارند چه از نظر ظاهر آن حرکت به سوی کمال باشد و چه نباشد، دلیل بر آن است که ذات عالم در حرکت است و حرکت بدون تبدیل قوه به فعل معنا ندارد و وقتی در ذات شیئی و جوهر آن، این تبدیل واقع شود حتماً اشتدادی است. موفق باشید